

نقش تقصیر در خسارت تنبیهی

پرویز صفری^۱

معصومه صوفی قادری^۲

چکیده

هرچند هدف مسؤولیت مدنی، جبران خسارت و رفع ضرر از زیان‌دیده است اما تقصیر، مبنای مسؤولیت مدنی در حقوق ایران می باشد. تقصیر دارای درجاتی است از جمله تقصیر عمدی و غیرعمدی، تقصیر در عمل دارای آثار مهمی می باشد یکی از زمینه هایی که تقصیر بر آن مؤثر است خسارت تنبیهی می باشد؛ خسارات تنبیهی ماهیت غیرترمیمی دارند. این خسارات در دعاوی مدنی و به منظور تنبیه خواننده خطاکار و بازداشتن او و دیگران از ارتکاب سوء رفتارهای مشابه در آینده، به نفع خواهان مورد حکم واقع می شوند. خاستگاه تاریخی خسارات تنبیهی نظام کامن لا می باشد. قانونگذار ایران با تصویب قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۷۹، خسارات تنبیهی را در حقوق مدنی بین المللی (خصوصی) به رسمیت شناخته است. در حقوق ایران دیه و جریمه اجبار شباهت زیادی به خسارات تنبیهی دارند. اعمال و اجرای قوانین و آرای خارجی راجع به خسارات تنبیهی در ایران امکانپذیر است.

واژگان کلیدی: تقصیر، تقصیر عمدی، تقصیر غیرعمدی، تقصیر سنگین، خسارت تنبیهی.

۱رئیس کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان غربی

۲کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی

مقدمه

تعاریف متعددی از تقصیر به عمل آمده است اما می توان گفت تقصیر یعنی تجاوز از حدود رفتار متعارف با توجه به شرایط وقوع حادثه. تقصیر به انواع مختلفی تقسیم می شود؛ تقصیر عمدی و غیرعمدی از جمله این موارد می باشد. تقصیر عمدی و تقصیر سنگین (که یکی از درجات تقصیر غیرعمدی می باشد) دارای آثاری از جمله صدور حکم به خسارت تنبیهی هستند. خسارت تنبیهی برای کسانی که با نظام حقوقی کامن لا آشنایی دارند، نهادی شناخته شده است، این نوع خسارات بیشتر در پی تنبیه مرتکب است تا جبران زیان وارد بر زیان دیده به همین دلیل آن را خلاف قاعده دانسته اند، و این اعتقاد ناشی از عدم تفکیک دقیق میان دو مسؤولیت کیفری و مدنی در نظام کامن لا می باشد. در نظام حقوقی ایران خسارت تنبیهی چندان شناخته شده نیست به نحوی که برای اکثر افرادی که با مباحث حقوقی سر و کار دارند ناشناخته است و اندک منابع فارسی به آن پرداخته اند. در نظام های حقوقی دیگر نیز در نحوه اعمال و قلمرو خسارت تنبیهی اختلاف نظر وجود دارد. در نتیجه با توجه به اینکه مقصود از خسارت تنبیهی به خوبی تعریف نشده است؛ دادگاه های کشورهای مختلف به منظوره های مختلف از آن استفاده می کنند. لذا شایسته است این نهاد بیشتر بررسی شود و شرایط آن تبیین گردد. بنابراین در ابتدا به بررسی مفهوم تقصیر می پردازیم سپس با توجه به ناشناخته بودن مفهوم خسارت تنبیهی، مفهوم و پیشینه این نوع خسارت را مورد بررسی قرار می دهیم، سپس ویژگی های رفتار خوانده در این نوع دعاوی بررسی می شود.

مفهوم تقصیر و درجات آن

معنی لغوی تقصیر

تقصیر مصدر عربی از باب تفعیل است از ریشه قصر یقصر که در عربی با «ات» و در فارسی با «ها» جمع بسته می شود و معمولاً با پسوندهای کردن، افتادن، بستن، رفتن و آمدن همراه شده و معانی مختلفی را بیان می کند (دهخدا، ۱۳۷۲، نقل از قاسم زاده، مبانی مسؤولیت مدنی، ۳۱).

در زبان خارجی برای بیان معنی تقصیر از واژه های مختلفی استفاده می شود. در زبان فرانسه واژه هایی چون: La Faute (تقصیر)، Culpabilité (تقصیر عمدی)، که یک نوع جرم مدنی^۱ است و در مقابل شبه جرم مدنی^۲ استعمال می شود، به کار می رود. به تقصیر با فعل Faute par Commission و تقصیر با ترک فعل Faute par omission گفته می شود (قاسم زاده، پیشین، ۳۳).

در زبان انگلیسی نیز از واژه هایی چون Fault یا Failure استفاده می شود (Garner, Blak's Law Dictionary, 313). البته در نظام حقوقی کامن لا از واژه های دیگر در انواع مصادیق تقصیر استفاده شده

است از جمله: Omission, Act, Negligence, Misfeasance, Recklessness, Heedlessness: و (بادینی، فلسفه مسؤولیت مدنی، ۱۵۰- قاسم زاده، پیشین، ۳۳).

معانی فقهی تقصیر

۱. کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن را تقصیر می نامند (قَصُّ شَيْءٍ مِنَ الشَّعْرِ او الظَّفَرِ) که سومین واجب از واجبات منی در مراسم حج است (شیخ طوسی، النهایه، ۲۶۳).

۲. کوتاه کردن و دو رکعت خواندن نمازهای چهار رکعتی برای شخص مسافر، مسافر در صورت جمع شرایط چهارگانه مذکور در کتب فقهی و رساله های عملیه موظف است نماز خود را به صورت قصر ادا نماید. اینعمل را تقصیر می نامند (همان، ۱۲۲).

۳. تقصیر به عنوان مبنای ضمان در موارد معین و مذکور در کتاب دیات و غصب، فراوان استعمال شده است لیکن تعریف مشخصی از آن نشده است و ظاهراً به خاطر روشنی و وضوح آن، شناسایی و معرفی آن به عرف واگذار گردیده است (شهید ثانی، مسالك، ۳، ۲۹۹). همچنین مصادیقی از تقصیر مانند تعدی، تفریط، اهمال، ترک تحفظ در موارد مختلف استعمال شده است.

مفهوم تقصیر در فقه

در فقه اسلامی فقیهان تعریف مشخصی از تقصیر ارائه ننموده اند و در عوض به ذکر مصداق های آن با واژه هایی مانند تعدی، تفریط، عدم تحفظ و اهمال پرداخته اند. برای مثال گفته شده است: «تعدی به انجام فعلی گفته می شود که ترک آن لازم و ضروری است» و تفریط نقطه مقابل آن است یعنی «ترک نمودن فعلی که باید انجام شود» (المراغی الحسینی، عناوین، ۳۲۵). علی رغم ادعای برخی که تقصیر در فقه امامیه به عنوان مبنای مهم مسؤولیت به کار رفته است و ضابطه آن نوعی است (موسوی، مسؤولیت مدنی ناشی از مالکیت و نگهداری اشیا، ۴۱)، برخی دیگر بیان نموده اند که: «تقصیر نوعی اگر مصحح انتساب باشد از نظر فقهی قابل توجه است؛ چون حسب آنچه استاد فقه ما مرحوم آیت الله فاضل بارها تأکید فرمودند، ضمان قهری اصولاً در فقه مبتنی بر تقصیر نیست» (یثربی، ضمان قهری، ۳). البته این نظر در جایی که مستند ضمان اتلاف باشد صحیح است زیرا اتلاف مبتنی بر مسؤولیت محض می باشد تا تقصیر. اما در اتلاف نیز رابطه مستقیم عرفی با تلف شدن مال را لازم دانسته اند به خصوص آنکه قیمت مال براساس رغبت نوعی تعیین می شود (همان).

در فقه امامیه تقصیر مبتنی بر مفهوم عرفی می باشد و این امر از لابه لای روایات و احادیث به خوبی پیداست. از جمله می توان به مسؤولیت معلّم شنا اشاره کرد که در مواردی که تعلیم گیرنده بالغ است، معلّم

شنا ضامن نخواهد بود (نجفی، جواهرالکلام، ۱۵، ۶۱). ظاهراً عدم مسؤولیت معلّم شنا در این مورد به خاطر این است که عرف تقصیر را به او نسبت نمی دهد. به علاوه در مورد تصرفات مالکانه که به ضرر همسایه انجام می گیرد، اگر علم یا ظن به اضرار همسایه وجود داشته باشد، مالک ضامن است و برای تعیین وجود ظن یا علم عرف ملاک است (شهید ثانی، پیشین، ۲، ۲۴۵). به علاوه گفته شده است اگر کسی برای رفاه عموم و مصلحت عابرین و جلوگیری از برخاستن و گرد و خاک یا برای کاهش درجه حرارت در معبر آب بپاشد و در اثر آن پای کسی بلغزد و آسیب ببیند موجب ضمان نیست و کسی که آب را پاشیده مسؤولیتی ندارد اما اگر بدون رعایت مصلحت باشد ضامن است (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۲، ۵۶۷).

تعاریف حقوقدانان ایرانی

گرایش عمومی در بین حقوقدانان ایرانی بر مفهوم عرفی و اجتماعی تقصیر می باشد. در تعریف تقصیر گفته شده: «تقصیر عبارت است از وضعیتی اعتباری که در شخص در اثر ارتکاب عمل بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی یافت می شود. به شخصی که دارای چنین وضعیتی می باشد مقصر می گویند» (امامی، حقوق مدنی، ۱، ۵۸۷). عده ای دیگر معتقد می باشند: «تقصیر خودداری از انجام تکلیفی است که به دیگری زیان رسانده است و عنصر عمده در این تعریف تکلیف است که خواهان باید ثابت کند: ۱. خوانده در برابر او تکلیف داشته است. ۲. مقصر در انجام این تکلیف به او خسارت رسانده است. ۳. هزینه بازگرداندن وضع به آنچه در نخست بوده چه مبلغ است. ۴. مبلغ خسارت بر حسب هر یک از عواملی که به خسارت انجامیده تجزیه و تعیین شده است» (بوشهری، حقوق جزا، ۳، ۳۱۹). به گفته برخی دیگر از حقوقدانان: «تقصیر تجاوز از رفتاری است که انسان متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد. و برای تمیز تقصیر، باید کاری را که انجام شده است با رفتار انسانی عادی مقایسه کرد، منتها نه به طور نوعی، بلکه در شرایطی که حادثه رخ داده است. البته مقصود شرایط خارجی است نه داخلی» (کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد، ۱، ۱۹۰). به علاوه گفته شده است که: «تقصیر عبارت است از تعدی و تفریط از رفتار انسانی متعارف در همان شرایط خارجی وقوع حادثه یا رفتاری که هرگاه یک شخص متعارف در شرایط حادثه قرار گیرد، مرتکب آن نمی شود» (قاسم زاده، پیشین، ۸۰).

تقصیر عمدی

درباره تقصیر عمدی تعاریف متعددی بیان شده است؛ اعتقاد برخی بر این است که: «تقصیر عمدی یا جرم عبارت است از عمل بدون مجوز قانونی که مرتکب به منظور ایجاد ضرر به دیگری انجام می دهد و کافی نیست که مرتکب احتمال زیان را پیش بینی بکند برای آنکه دادرس تشخیص عمدی بودن عمل ارتكابی را بدهد باید مرتکب را از نظر نفسانی مورد آزمایش قرار دهد و از اوضاع و احوال قضیه، انگیزه فاعل را در

ارتکاب عمل به دست آورد» (امامی، پیشین، ۵۸۸)، برخی نیز با توجه به قصد فعل و قصد نتیجه در تعریف تقصیر عمدی گفته اند که: «در تقصیر عمدی هم انجام فعل زیانبار از روی قصد انجام می‌گیرد و هم قصد نتیجه در اضرار وجود دارد البته گاهی این امکان وجود دارد که شخص بدون آنکه به نتایج عمل خویش بیاندیشد عمداً به انجام کاری مبادرت می‌ورزد» (نصیری، نقش تقصیر در مسؤولیت مدنی، ۴). در حقوق فرانسه در خصوص تقصیر عمدی یا نیرنگ آمیز گفته شده است که: «تقصیر هنگامی که از روی قصد صورت گرفته باشد به آن تقصیر عمدی یا نیرنگ آمیز گفته می‌شود. البته بایستی دانست که قصد تقصیرآمیز، منحصر به قصد زیان رسانی نیست زیرا ضرورت ندارد که خسارت آنگونه که پیش آمده است، خواسته باشد بلکه کافی است که صرفاً هدف از آن، تأمین منفعت شخصی باشد» (ژوردن، اصول مسؤولیت مدنی، ۹۱). حتی برخی از این امر نیز فراتر رفته اند و در زمینه قراردادهای علم به ورود ضرر را برابر با قصد ایجاد ضرر دانسته اند (ایزانلو، شروط محدودکننده و ساقط کننده مسؤولیت، ۱۷۰). در زمینه مسؤولیت قراردادی برخی از حقوقدانان فرانسوی اشاره کرده اند که در مفهوم عمد نباید قصد نتیجه را داخل کرد و عمد صرفاً آگاهی کامل در خودداری از انجام تعهد است هر چند که متعهد، تحقق نتایج نقض تعهد را نخواسته باشد (شهیدی، حقوق مدنی، ۳، ۲۵۲)، یعنی تقصیر عمدی در قرارداد به سادگی به معنای عدم اجرای تعهدات قراردادی یا تأخیر در اجرای آن است. عده ای با بیان این مطلب که در این مفهوم نیز مدیونی که آزادانه و آگاهانه از اجرای تعهد خویش یا اجرای درست آن سرباز می‌زند، تا حد زیادی ورود ضرر به طلبکار را پیش بینی می‌کند، معتقدند که با این مفهوم موسع از تقصیر عمدی دیگر نیازی به بیان مفهوم و مصادیق تقصیر سنگین نیست (ایزانلو، پیشین، ۱۷۱).

تقصیر غیر عمدی و درجات آن

تعاریف متعددی از تقصیر غیر عمد نیز به عمل آمده که به مواردی از آنها اشاره می‌شود. تقصیر غیر عمدی یا شبه جرم عبارت است از عمل بدون مجوز قانونی که مرتکب در نتیجه بی احتیاطی انجام می‌دهد و از آن ضرری به دیگری می‌رسد (امامی، پیشین، ۵۸۸). همچنین گفته شده: «تقصیر غیر عمدی، تقصیری است که فاعل زیان نداند که بر فعل او ضرری برای غیر، مترتب خواهد بود» (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴). و عده ای نیز صرفاً به قصد شخصی قاصر در ورود زیان توجه نموده اند و در تبیین مفهوم تقصیر غیر عمد بیان نموده اند: «موردیکه شخص خطر نامتعارفی را به دیگری تحمیل می‌کند که نتیجه آن ورود ضرر به دیگری است مرتکب تقصیر غیر عمد شده است در تقصیر غیر عمد که به آن قصور هم می‌گویند شخص قصد اضرار به دیگری را ندارد اما در نتیجه غفلت و بی احتیاطی سبب ورود ضرر به او می‌شود برای مثال راننده ای که با سرعت زیاد از روی تفنن رانندگی می‌کند و با ماشین دیگر برخورد می‌کند و موجب آسیب و صدمه به آن می‌گردد مرتکب تقصیر غیر عمد شده...» (کاتوزیان، پیشین، ۳۷۳).

همچنین برخی در ارتباط با انواع تقصیر در مسؤولیت قراردادی با توجه به آگاهی شخص مقصر نسبت به تخلف صورت گرفته، در بیان مفهوم تقصیر غیرعمدی گفته اند: «توجه به محدود اراده نسبت به تخلف از انجام تعهد را تقصیر غیرعمدی می نامند که در حقوق فرانسه بی احتیاطی یا اهمال و به طور کلی خطای غیرعمدی نامیده شده است» (شهیدی، پیشین، ۲۵۱). عده ای نیز با توجه به قصد شخص خاطی و پیش بینی نتایج حاصله از عمل در تعریف تقصیر غیرعمدی گفته اند: «در تقصیر غیرعمدی شخص قصد ایراد خسارت ندارد و نتیجه عمل خود را پیش بینی نمی کند به عبارت دیگر در تقصیر غیرعمدی نیز اراده وجود دارد ولی متوجه خسارت وارده نمی باشد» (صفایی، تعهدات و قراردادها، ۲، ۵۵۳). آنچه از توجه به تعاریف فوق به دست می آید این است که:

۱. شخص خاطی در مورد تقصیر غیرعمدی در انجام عمل اراده دارد ولی اراده او به نتیجه تعلق نگرفته است یعنی قصد نتیجه و اضرار به غیر را ندارد.

۲. ایراد خسارت به غیر بر اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی است.

۳. شخص خاطی احتمال ورود خسارت به غیر را می دهد اما این احتمال به حد تقصیر عمدی نمی رسد.

۴. در ارزیابی این تقصیر باید به معیار انسان متعارف و معقول رجوع نمود.

در حقوق قدیم فرانسه بر اساس حقوق رم، در زمینه قراردادها تقصیر را درجه بندی می کردند. اولاً بین تقصیر عمدی و غیرعمدی فرق می گذاردند و ثانیاً تقصیر غیرعمدی را به سه گونه تقسیم می کردند: «تقصیر سنگین»^۱، «تقصیر سبک»^۲ و «تقصیر بسیار سبک»^۳ این تقسیم بندی در قرن هجدهم مورد انتقاد شدید واقع شد (صفایی، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، کتاب حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ص ۴۲۷). امروزه در مواردی بین تقصیر سنگین و تقصیر سبک فرق می گذارند بعضی از این موارد مبتنی بر رویه قضایی و برخی ناشی از قانون است. در مورد شرط عدم مسؤولیت یا تحدید مسؤولیت رویه قضایی این تفکیک را پذیرفته است (صفایی، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، ص ۱۷۶). نویسندگان، به اتفاق، از وحدت مفهوم تقصیر انتقاد کردند و اگرچه تقسیم تقصیر به سبک و بسیار سبک را به جهت فقدان فایده عملی کنار نهادند، میان تقصیر سبک و سنگین همچنان تفکیک قایل شدند و علاوه بعدها برای پر کردن خلاء میان تقصیر سنگین و تقصیر عمدی مفهومی را به نام تقصیر غیرقابل بخشایش ایجاد کردند. مفهوم اخیر اگرچه خارج از قلمروی حقوق مدنی ایجاد شده است، بتدریج در قلمروی حقوق مدنی نیز نفوذ کرده است» (ایزانلو، پیشین، ۱۶۱). در تعریف تقصیر سبک گفته شده است که: «تقصیر سبک تقصیری است که شخص با احتیاط متوسط مرتکب آن نمی شود» (صفایی -

رحیمی، مسؤولیت مدنی، ۱۶۰). در حالی که تقصیر خیلی سبک: «تقصیری است که شخص بسیار محتاط و آگاه مرتکب آن نمی شود» (صفایی، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، ۱۷۸). در مورد تقصیر سنگین تعاریفی به عمل آمده است از جمله؛ کاربرینه در تعریف تقصیر سنگین چنین می گوید: «تقصیر سنگین تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید در حدی شگفت می باشد. نه قصد اضرار هست نه خباثت، ولی آنچنان بی مبالاتی وجود دارد که گویی کار عمداً انجام گرفته است» (کاربینه، ص ۲۷۴، نقل از پیشین، ۱۸۰).

«مازو» ها در کتاب معروف دروس حقوق مدنی خود این مفهوم را چنین، تعریف کرده است: «تقصیر سنگین تقصیری است نه عمدی و نه ارادی، ولی سخت فاحش است. مرتکب آن ایراد ضرر یا عدم اجرای قرارداد را نخواست، ولی آنچنان رفتار کرده که گوئی آن را خواسته است» (مازوها، صص ۴۲۹ و ۴۳۰، نقل از پیشین، ۱۸۰). بعضی از استادان حقوق از جمله ویل برای روشن کردن این مفهوم بی آنکه تعریفی از آن به دست دهد به مقایسه آن با تقصیر عمدی و تقصیر عادی پرداخته است (ویل، ص ۴۷۰، نقل از پیشین، ص ۱۸۱). بایستی اذعان نمود که همه تعاریف مرسوم تقصیر سنگین جنبه شخصی دارد یعنی شدت رفتار شخص خاطی مورد نظر است هرچند ارزیابی بر اساس معیار انسان متعارف و معقول و به صورت نوعی صورت می گیرد (ایزانلو، شروط محدود کننده و ساقط کننده مسؤولیت در قراردادها، ۱۷۴).

به طور کلی، چنین بر می آید که یک ضابطه و معیار دقیق و روشن جهت احراز تقصیر سنگین که در همه موارد قابل اعمال باشد، وجود ندارد و مسأله تا حد زیادی نظری است. در هر مورد باید به وقایع و اوضاع و احوال خاص پرونده رجوع کرد. چیزی ممکن است در اوضاع و احوال خاصی، تقصیر عادی و در اوضاع و احوال دیگری، تقصیر سنگین به شمار می آید (صفایی، پیشین، ۱۹۴). برخی دیگر در تعریف تقصیر سنگین گفته اند: «تقصیر سنگین به معنی زیر پا گذاشتن احتیاط همگانی است و تنها نوع اول یعنی رفتار تقصیرآمیز بسیار سبک مسؤولیت مدنی در پی ندارد» (الگارد، صص ۹۳ و ۹۴، نقل از همان، ۱۰۰). تقصیر سنگین بر اساس دو معیار شخصی و نوعی قابل تشخیص است هر گاه عمل زیانبار ناشی از بی توجهی زیاد، غفلت، یا حماقت شدید باشد یا شخص خاطی با آگاهی از احتمال ایجاد خسارت، عمداً حقوق و منافع دیگران را به خطر می اندازد بر اساس معیار شخصی مرتکب تقصیر سنگین شده است و بر اساس معیار نوعی عناصری مانند تکرار عمل تخلف آمیز، عدم اعمال مراقبت متعارف و منطقی و اساسی بودن تعهدات اجرا نشده (در مسؤولیت قراردادی) یا متخصص بودن عامل زیان مؤثر در تشخیص تقصیر سنگین است (بادینی، جزوه الزامات خارج قرارداد و مسؤولیت مدنی، ۱۰۰). یکی از نویسندگان فرانسوی در تعریف تقصیر سنگین می نویسد: «تقصیری است که بالاتر از تقصیر ساده قرار دارد و مستلزم نقض یک تکلیف است اما به بهای ارتکاب یک اشتباه بزرگ است» (ژوردن، ترجمه مجید ادیب، اصول مسؤولیت مدنی، ۹۱). تقصیر

غیرقابل بخشایش نیز مفهوم نسبتاً جدیدی است که، به ویژه در حقوق فرانسه در زمینه حوادث رانندگی و حوادث ناشی از کار مورد استفاده قرار گرفته است (بادینی، فلسفه مسؤولیت مدنی، پاورقی ۷۲). در تعریف آن گفته شده است که: «این تقصیر، تقصیری است که میزان تشخیص آن، از تقصیر سنگین هم بیشتر است. این تقصیر، تنها هنگامی در مسؤولیت تأثیر دارد که توسط قانون تعریف شده باشد» (همان، ۹۱).

نقش تقصیر در خسارات تنبیهی

یکی از اثرات تقصیر عمدی و تقصیر سنگین می توان در صدور حکم به خسارات تنبیهی ملاحظه نمود. که در ابتدا به مفهوم خسارت تنبیهی و پیشینه آن و بعداً به اهداف آن پرداخته و سپس سوءنیت در این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد.

مفهوم خسارت تنبیهی

در حقوق انگلستان، معادل عبارت «خسارت تنبیهی»، عبارت "exemplary damage" است و در حقوق آمریکا از عبارت "punitive damage" استفاده می کنند (عبداللهی، خسارت تنبیهی در حقوق بین الملل، ۹۰)؛ علاوه بر دو اصطلاح فوق در حقوق خارجی برای بیان مفهوم خسارت تنبیهی از عبارات "vindictive damage" و "presumptive damage" هم استفاده شده است (Black, blacks law dictionary, 164).

اگر چه اصطلاحات فوق از نظر لغوی، معنای شبیه به هم دارند ولی از نظر اصطلاحی مفهومی کاملاً منطبق دارند و در نظام های حقوقی مختلف هر یک از این اصطلاحات به کار برده می شوند. در خصوص این نهاد حقوقی آنچه بین حقوقدانان ایرانی رایج است، اصطلاح «خسارت تنبیهی» می باشد که در «ماده واحده قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی»، نیز از همین اصطلاح استفاده شده است، هر چند اصطلاحات دیگری نیز نظیر «خسارت کیفری» (کاتوزیان، مسؤولیت ناشی از عیب تولید، ۹۶)، «خسارت عبرت آموز» (باقری، فرهنگ حقوقی مجد، ۴۲۵)، «خسارت تریبی» (عبداللهی، خسارت تنبیهی در حقوق بین الملل، ۹۰) و اصطلاحات مشابه دیگر در متون فارسی به کار گرفته شده است.

فرهنگ حقوقی «بلک»^۱ در تعریف خسارت تنبیهی بیان داشته است: «درجه افزایش یافته ای از خسارت ها می باشد که در جایی که خواننده در ایراد زیان، رفتار توأم با بی احتیاطی، سوءنیت یا خدعه از خود بروز داده است، به نفع خواهان حکم داده می شود...» (Black, 164)، فرهنگ حقوقی آکسفورد^۲ نیز در این رابطه بیان داشته: «خسارتی است که برای مجازات خواننده در قبال زبانی که به خواهان رسانده، برای جبران، به

خواهان پرداخت می‌شود»، به نظر می‌رسد این تعریف ناقص است؛ زیرا خسارت تنبیهی جنبه جبرانی ندارد؛ یعنی غیرترمیمی است، ولی آنچه از این تعریف بر می‌آید این است که با توجه به استفاده از عبارت «compensate»، خسارت تنبیهی جنبه ترمیمی دارد. ضمن اینکه بهتر بود از عبارت «punish» نیز استفاده نمی‌شد، زیرا خسارت تنبیهی با مجازات تفاوت دارد؛ اما در هر حال جنبه بازدارندگی خسارت تنبیهی از این تعریف قابل برداشت است. همچنین در این رابطه گفته شده است: «جایی که رفتار خواننده عمدی، خودسرانه، جسورانه یا از روی بدخواهی باشد دادگاه مقرر می‌کند که او مبلغی را علاوه بر خسارت - ترمیمی بپردازد» (Oxford dictionary of law, 179). به علاوه گفته شده است: «خسارت کیفری یا تنبیهی مبلغی است که در بعضی از کشورها در دعوی مسؤولیت مدنی به خواننده دعوا تعلق می‌گیرد و بر خلاف خسارت جبرانی یا واقعی تناسبی با میزان خسارات وارد شده به وی ندارد و بسیار بیشتر از آن است» (Gray, The philosophy of Law, 709). همچنین گفته شده است: «خسارت تنبیهی نهادی شناخته شده در کامن لا است که جزء خسارت های غیر جبرانی قرار گرفته است» (Ibid, 14). خسارات غیرجبرانی خسارت هایی می باشد که هدف از اعطای آن، برخلاف آنچه که در مسؤولیت مدنی رایج است، نه جبران خسارت زیان دیده و بازگرداندن او به وضع قبل از ورود زیان که امور دیگر است. هدف از اعطای خسارات تنبیهی نیز بیش از آن که جبران خسارات وارد بر زیان دیده باشد، تنبیه زیان زننده یا حمایت از او است و لذا میزان این خسارات ممکن است از زیان های وارد به فرد تجاوز نماید (Ibid, 14).

در حقوق داخلی نیز تعاریفی از این اصطلاح صورت گرفته است به عنوان نمونه گفته شده: «خسارت تنبیهی در فرضی است که رفتار خواننده علاوه بر ورود خسارت، نسبت به خواهان اهانت آمیز باشد یا بی اعتنائی او را نسبت به ایمنی دیگران نشان دهد یا همراه با تمهیدی برای خودداری از جبران خسارت باشد» (کاتوزیان، پیشین، ۱۰۲). همچنین گفته شده است خسارت تنبیهی: «عبارت است از مبلغی که علاوه بر خسارت ترمیمی به دلیل وقوع عمد یا سوءرفتار خواننده، به نفع خواهان رأی داده می‌شود» (مقصودی، مطالعه تطبیقی وجه التزام، ۱۶۲).

بنابراین در تعریف «خسارت تنبیهی» می‌توان گفت: «نوعی خسارت مازاد بر خسارات ترمیمی است که خواننده به خاطر جسارت و تجری که در رفتار زیانبار خود داشته است، به حکم دادگاه باید به خواهان بپردازد».

پیشینه خسارت تنبیهی

در حقوق انگلستان

مفهوم خسارت تنبیهی در حقوق انگلستان به طور سنتی وجود داشته و بدون اینکه تحت قواعد و اصول معینی قرار گیرد، مورد صدور حکم واقع می شده است (Royers, the law of tort, fundamental principles of law, 206). و به تدریج به کشورهای دیگر نیز نفوذ پیدا کرده، ولی این نوع خسارت اولین بار به صورت رسمی در دعوی ویلیکس علیه وود^۱ در سال ۱۷۶۳ مطرح شد و در همان سال در دعوی هاگل علیه مانی^۲ نیز مورد حکم واقع شد و تا سال ۱۹۶۴ همچنان مورد توجه محاکم بود، تا اینکه در این سال، در دعوی روکس علیه براند^۳ مجلس اعیان انگلستان محدودیت‌هایی را برای صدور حکم خسارت تنبیهی ایجاد نمود. (Lunney, Mark & Oliphant, Ken, Tort law, 712) در این دعوا، مجلس اعیان انگلستان به خصوص لرد دولین^۴ به تدوین و تبیین اصول و قواعد حاکم بر این نوع خسارات پرداخت که مطابق نظر این مجلس صدور احکام حاوی خسارت تنبیهی به سه مورد زیر محدود شد^۵:

۱. جایی که خواهان، قربانی خود رأیی یا رفتار غیر عادلانه مأمور دولتی بر خلاف حقوق اساسی شده باشد.
۲. جایی که خوانده، از ارتکاب شبه جرم منتفع گردیده باشد؛ به صورتی که با محاسبه سود و زیان احتمالی مسؤولیت مدنی ناشی از ارتکاب شبه جرم، مرتکب آن شده باشد.
۳. جایی که قانون صدور حکم به خسارت تنبیهی را صراحتاً اجازه داده باشد.

این عقیده مجلس اعیان در انگلستان با عکس العمل‌های متفاوتی روبرو شد و به طور مطلق مورد تبعیت محاکم قرار نگرفت، ضمن اینکه از این زمان به بعد در کامن‌لا دو دیدگاه در خصوص «خسارت تنبیهی» به وجود آمد و کشورها نسبت به اعمال آن به دو دسته تقسیم شدند، دسته اول کشورهای بودند که محدودیت‌های مجلس اعیان انگلیس را در مورد خسارت تنبیهی اعمال کردند که اکثریت را تشکیل می‌دادند مثل اوگاندا، کانادا، نیوزیلند و خود انگلستان و دسته دوم کشورهای بودند که محدودیتی در پرداخت خسارت تنبیهی قائل نشدند و مهمترین آنها ایالات متحده آمریکا و استرالیا بودند. در استرالیا خسارت تنبیهی برای کلیه شبه جرمها وجود دارد. ولی تا به امروز در مواردی چون تجاوز به زمین، اموال، ضرب و جرح، اکراه و تقصیر اعمال شده است. دیوان عالی استرالیا در سال ۱۹۸۷ در رابطه با خسارت تنبیهی بیان نموده است که: «این حکم در جایی که رفتار خوانده با سوءنیت، خشونت و بی‌اعتنایی به حقوق خوانده باشد، مناسب است» (عبداللهی، پیشین، ۸۷).

در حقوق ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا نمونه های قدیم اعطای آن خسارت به مواردی مربوط می شد که خواننده به خواهان توهین، یا او را تحقیر کرده بود. مطابق نظر بعضی حقوقدانان ریشه خسارت تنبیهی در حقوق آمریکا را باید در میثاق قدیمی مهاجرت آمریکادانست، در این میثاق بیان شده است که: «اگر مردی یک گاو نر یا یکگوسفند را سرقت کند و آن را بکشد، باید پنج رأس گاو نر برای یک گاو نر و چهار رأس گوسفند برای یک گوسفند به عنوان غرامت بپردازد» (Owen, philosophical foundations of tort law, 104). در رویه جدید، قضیه گتز علیه رابرت^۱ مبنای دادگاهها در صدور رأی به خسارت تنبیهی است، در این پرونده دیوان عالی آمریکا مفهوم خسارت تنبیهی را اینگونه تبیین نموده است: «خسارت تنبیهی دارای ماهیت ترمیمی نمی باشد و در مقابل جریمه خصوصی^۲ قرار گرفته است که هیأت منصفه دادگاههای مدنی، به لحاظ تنبیه رفتار قابل سرزنش خواننده و جلوگیری از تکرار آن در آینده توسط خواننده و دیگران مقرر می کند و به طور کلی دست هیأت منصفه در برآورد خسارت تنبیهی به مبلغ نامعین باز است...» (عبداللہی، پیشین، ۹۲). در حقوق آمریکا، هر چند مبنای خسارت تنبیهی با حقوق انگلستان مشترک است، ولی در آمریکا محدودیت های موجود در انگلستان که توسط مجلس اعیان مقرر شده اند وجود ندارد. نکته دیگر این که در صدور حکم به پرداخت خسارت تنبیهی، معمولاً دادگاهها و هیأت منصفه هیچ سقفی برای تعیین میزان خسارت رعایت نمی کنند؛ به نحوی که در آراء صادره در سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ میانگین خسارات تنبیهی مورد حکم، بیش از یک میلیون دلار بوده است؛^۳ یا اینکه در پرونده ای در سال ۲۰۰۶ دادگاه فلوریدای آمریکا یک شرکت سیگارسازی را محکوم به پرداخت ۳۰۰ میلیون دلار خسارت نمود که ۲۴۴ میلیون دلار از این خسارات، خسارت تنبیهی بود. در حقوق آمریکا، با امکان صدور حکم به این خسارت اضافی در مسؤولیت محض تولیدکننده مخالف هستند، یا تردید دارند، رویه قضایی با به کار بردن این وسیله تنبیهی در مسؤولیت ناشی از تولید موافق و همراه است: در دعوی آکاستا بر شرکت هوندا در سال ۱۹۸۳، خواهان به هنگام راندن موتور سیکلت هوندا و به علت خرابی چرخ عقب آن صدمه می بیند و از دادگاه جبران خسارت خود را بر مبنای مسؤولیت محض تولیدکننده می خواهد. هیأت منصفه خواننده را به ۱۷۵۰۰۰ دلار خسارت محکوم می کند و در ضمن خسارت کیفری را به مبلغ ۲۱۰۰۰۰ دلار به سود خواهان معین می سازد؛ ولی در اثر شکایت خواننده دادگاه آنرا نمی پذیرد و اعتراض عمده او بر حکم در مورد جریمه اجبار است که اجرای آن را در مسؤولیت محض مناسب نمی داند و با مفاد بند الف ماده ۴۰۲ از قانون متحد تجارت آمریکا مخالف می بیند، دادگاه استیناف با رد این ایراد نظر می دهد که هیچ مانعی وجود ندارد که هیأت منصفه، علاوه بر خسارت ناشی از عیب کالا، تولیدکننده را به دلیل رفتار اهانت آمیز و صدمه زدن به خواهان، به خسارت کیفری نیز محکوم سازد. در این رأی استدلال شده است که «خسارت کیفری وسیله مفیدی برای مجازات اعمال خلاف قانون و اخلاق و مانعی برای تولیدکننده از اتخاذ تصمیم های اقتصادی به منظور فرار از جبران عیوب محصول است». در نظام حقوقی ایالات متحده گرچه برای

صدور حکم به خسارات تنبیهی، احراز رابطه سببیت بین فعل زیان زننده و ضرر وارد شده ضروری است، ولی سوء نیت زیان زننده در انجام فعل لزوماً شرط استحقاق این خسارات نیست و کافی است خواهان در اثر انجام عمدی یا مقصّرانه فعل زیان بار، واقعاً متضرر شده باشد. به هنگامیکه رفتار خطاکارانه خواننده، به طور ارادی و عمدی بوده (9, Prosser, The Law of Torts, Emanuel, 7) و نیز به هنگامیکه این رفتار دارای خصیصه بی حرمت و هتک حرمت و غالباً ضمن ارتکاب جرم است، تمامی دادگاهها به استثنای تعداد کمی از آنها هیأت منصفه را مجاز به صدور رأی در خصوص خسارت کیفری یا ترهیبی یا آنچه که بعضی اوقات غرامت نامیده می شود، دانسته اند (9, Ibid).

در حقوق ایران

در حقوق ایران با تصویب «قانون اصلاح قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» در سال ۱۳۷۹، مفهوم خسارت تنبیهی به طور محدود وارد سیستم حقوقی ما شد. این قانون در پاسخ بهاصلاحیه سال ۱۹۹۶ «قانون مصونیت حکام خارجی ایالات متحده آمریکا»^۱ و احکام متعاقب آن، تصویب شد که با تصویب این اصلاحیه محاکم آمریکا تاکنون بیش از پانزده رأی^۲ بالغ بر ۴ میلیارد دلار علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و برخی از ارکان آن خسارت ترمیمی^۳ و تنبیهی صادر کرده اند پس از صدور این احکام، خواهان های موفق این احکام برای گرفتن غرامت خود به راه های گوناگونی همچون تلاش برای توقیف اموال دیپلماتیک و کنسولی ایران در خاک ایالات متحده و همچنین حساب های مربوط به این اموال، توقیف حساب مربوط به صندوق فروش های نظامی ایران مربوط به دوران رژیم پهلوی، حراج آثار باستانی امانتی ایران در دانشگاه هاوموزه های این کشور، توقیف اموال و حساب های سفارتی ایران در کشورهای دیگر همچون کشور ایتالیا و اخیراً در کشور فرانسه متوسل شده اند.

در حقوق ایران اصل اولیه و کلی در جبران خسارت، اعاده وضع زیان دیده به حالت سابق است که از مواد مختلف قانون مدنی و سایر قوانین مبانی این اصل به راحتی استخراج می شوند؛ لذا اصل بر ترمیمی بودن خسارات است. در ایران، به غیر از قانون فوق الذکر که فقط مربوط به پرونده های بین المللی است، در قوانین دیگر تصریحی در خصوص خسارت تنبیهی وجود ندارد و تلاش بعضی حقوقدانان در مبتنی کردن این نوع خسارت به اصول کلی در جبران ها، در حقوق ایران بی نتیجه مانده است؛ بنابراین در حال حاضر صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی در حقوق داخلی ایران فاقد وجهه قانونی است. البته نهادهایی مانند وجهالتزام یا دیه یا جریمه اجبار وجود دارد که وجوه تشابهی با خسارت تنبیهی دارند. همچنین از طریق خسارت معنوی یا خسارت تأخیر تأدیه تا حدودی می توان به اهدافی نظیر آنچه در بحث خسارت-

تنبیهی وجود دارد، نائل شد، ولی باید توجه داشت که هیچ یک از این نهادها منطبق با نهاد خسارت تنبیهی نیستند؛ برای مثال در مورد مقایسه نهاد خسارت کیفری با نهاد دیه می توان گفت: دیه مالی است که از جانب شارع برای جنایات مقرر شده است و خسارات تنبیهی نیز خساراتی هستند که در موارد توهین به شرافت اشخاص یا سوء استفاده از قدرت بدان حکم می شود، بنابراین دیه و خسارت تنبیهی به لحاظ موضوع کاملاً با هم تفاوت دارند با این وجود شباهت ماهوی، این دو نهاد را به هم نزدیک کرده است؛ هم دیه هم خسارت تنبیهی دارای ماهیتی دوگانه هستند که از یک سو جنبه بازدارندگی و تنبیهی دارند و از سوی دیگر برای جبران خسارت در نظر گرفته شده اند.

۲. برای دیدن آرای مذکور به سایت مقابل رجوع شود. <http://www.dcd.uscourts.gov>

تنبیهی و کیفری این دو نهاد نیز به گونه ای در حق خواهان مبنی بر مجازات کردن خوانده ریشه دارد. فلسفه اعطای چنین حقی به زیاننده این است که او در مورد زیان های این دو نهاد از انتقام شخصی بپرهیزد. عوامل و علل تاریخی بیش از دلایل منطقی در تعیین جایگاه این دو نهاد در نظام حقوقی اسلام و کامن لا ایفای نقش نموده اند؛ به گونه ای که دیه در حقوق اسلام ذیل مباحث راجع به جرایم و مجازات ها مطالعه می شود و خسارات تنبیهی در کامن لا ذیل مباحث راجع به مسؤولیت مدنی جای می گیرد (عالی پناه، بررسی تطبیقی دیه و خسارت تنبیهی، ۶۰). همچنین تفاوت نهاد خسارت کیفری با جریمه اجبار در قانون آیین دادرسی مدنی پیش از آخرین اصلاح آن چنین است که جریمه اجبار ویژه تعهدهای قراردادی است و وسیله ای برای اجبار متعهد به اجرای تعهد به شمار می آید، در حالی که خسارت کیفری در مسؤولیت مدنی به کار می رود و در واقع خسارت اضافی است که به منظور رفع توهین به خواهان و جلوگیری از امتناع خوانده به اجرای تعهد قانونی خود مقرر می شود. همچنین در مورد وجه التزام و خسارت تنبیهی باید گفت: خسارت تنبیهی و وجه التزام هر دو مبالغی هستند که به زیاننده پرداخت می شوند و خواهان از آنها منتفع می شود، نه دولت. وجه التزام مانند خسارت تنبیهی، گاه جنبه غیرترمیمی پیدا می کند و آن هنگامی است که ضرر وارده به خواهان از میزان وجه التزام مشخص شده در قرارداد کمتر باشد؛ وجه التزام هم مانند خسارت تنبیهی ممکن است نقش بازدارندگی داشته باشد؛ خسارت تنبیهی و وجه التزام هر دو داخل در حقوق مدنی به معنای عام بوده و مجازات کیفری محسوب نمی شوند. خسارت تنبیهی غالباً در حقوق مسؤولیت مدنی بحث می شود، اما وجه التزام بیشتر در مباحث حقوق تعهدات مطرح می شود؛ وجه التزام دارای عنصر تراضی بوده و با توافق طرفین قرارداد مشخص می شود، اما میزان خسارت تنبیهی را دادگاه مشخص کرده و با عنصر قهر و اجبار همراه آن است؛ میزان خسارت تنبیهی، قابل پیش بینی نیست، اما وجه التزام قبلاً از سوی طرفین مشخص شده است؛ صدور حکم به پرداخت مبلغ وجه التزام مستلزم احراز سوءنیت ناقض قرارداد نیست، اما احراز سوءنیت در صدور حکم به خسارت تنبیهی نقشی اساسی دارد.

خسارت تنبیهی جایگزین خسارت ترمیمی نبوده و جدای از آن است؛ در حالی که، وجه التزام جایگزین خسارت ترمیمی است، هر چند جنبه تنبیهی نیز داشته باشد (فارسانی، مقایسه تطبیقی وجه التزام و خسارت تنبیهی، ۱۴۷). ممکن است این خسارت با جریمه اجباری که در ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۱ پیش بینی شده بود، مقایسه شود؛ در این ماده پیش بینی شده بود که نسبت به تعهدات شخصی به هدف اجبار ایفای تعهد، دادگاه مجاز به تعیین جریمه اجبار علاوه بر خسارات ناشی از تأخیر، علیه متعهد است. این قانون، با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در بخش مدنی نسخ صریح گشت و به تبع آن نیز تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی که به همین ماده ارجاع دارد؛ غیرقابل اجرا و به طور ضمنی نسخ شده است؛ این ماده به دنبال ایراد مخدوش شورای نگهبان که جریمه یاد شده را ربا شناخته بود، در قانون جدید نیامده است؛ اما این جریمه صرفاً به جهت اینکه سقفی برای آن مقرر نگشته بود و به جهت اینکه به متعده پرداخت شد، به خسارت تنبیهی شباهت دارد. بنابراین در بعضی موارد هیچ یک از این نهادها جایگزین کاملی نمی باشند و در حقوق داخلی ایران نیاز به تأسیس نهاد خسارت تنبیهی احساس می شود.

اهداف خسارت تنبیهی

موارد زیر را می توان از اهداف دادگاه ها و قانون، در صدور احکام مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی دانست:

تنبیه یا مجازات^۱

این هدف، در واقع جزئی از ماهیت شبه کیفری خسارت تنبیهی می باشد، به عبارت دیگر، این وظیفه خسارت تنبیهی حاکی از معنی تعادل، عدالت و استحقاق می باشد.

بازدارندگی^۱

مهمترین هدف خسارت تنبیهی بازدارندگی آن است، زیرا محکوم علیه را از تکرار دوباره عمل باز می دارد و همچنین نسبت به سایر افراد جامعه یا حداقل افراد با شغل مشابه محکوم علیه دارای جنبه بازدارندگی است (Nelson, Punishment for profit, 377). برخلاف آنچه معمولاً گمان می شود، جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول تنها هدف مسؤولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده نیست بلکه جبران و جلوگیری از ورود خسارت در آینده و رفع تجاوز نسبت به حقوق خواهان نیز یکی از هدف های مسلم مسؤولیت مدنی است. جبران خسارت ناشی از حقوقی که ماهیت اقتصادی و مالی ندارد و کاملاً معنوی است، ممکن نمی باشد، از این رو برای توجیه آن باید هدف دیگری را برای مسؤولیت مدنی در نظر گرفت که همانا ارضاء

خاطر یا دلجویی از زیان دیده است و پرداخت مبلغی به زیان دیده تنها جهت ایجاد تعادل روانی و احساساتی زیان دیده صورت می‌گیرد (باریکلو، مسؤولیت مدنی، ۴۰۹). صدور حکم بر الزام خواننده به پرداخت خسارت تنبیهی به عنوان راهکاری برای اثبات حقانیت خواهانکه در حقوق برخی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند (Williams, The Aims of the Law of Cane, Peter, The Anatomy of Tort Law, 468-Tohrt, 138).

ترمیم^۲

در آمریکا، خسارت تنبیهی در سه مصداق ذیل جنبه ترمیمی هم پیدا می‌کند:

۱. در خصوص حق الوکاله؛ به این علت که در آمریکا، حق الوکاله را خود موکل باید پرداخت کند و جزء خسارات مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد، در حالیکه به عنوان مثال در ایران، حق الوکاله مطابق ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی جزء خسارات ترمیمی است.

۲. وقتی محاسبه خسارت ترمیمی مشکل باشد، مخصوصاً در بحث خسارت معنوی.

۳. زمانی که اثبات ورود ضرر واقعی، مشکل باشد مثل نقض مالکیت فکری.

ایجاد امنیت در فضای اقتصادی، منفعت زدایی، آموزش و تأیید رفتار استاندارد اجتماعی و... از جمله اهداف دیگر خسارت تنبیهی بر شمرده شده‌اند (Cody, Troy 1, The discriminatory effects of punitive damages, 35).

تقصیر شرط مطالبه خسارت تنبیهی

در دعاوی مربوط به خسارت تنبیهی آنچه به واقع موجب تنبیه خواننده می‌باشد، رفتار اوست که باید دید این رفتار، واجد چه ویژگی‌هایی است، که گاه مستحق چنین برخورد سنگینی می‌باشد.

در متون فارسی از اصطلاحات مختلفی برای توصیف رفتار مورد نظر در خسارت تنبیهی استفاده شده است مانند «رفتار اهانت‌آمیز و همراه با بی‌اعتنایی» (کاتوزیان، پیشین، ۱۰۲) و یا اصطلاح «رفتار همراه با تجری» (ره‌پیک، حقوق مسؤولیت مدنی و جبران‌ها، ۲۲) به کار رفته است. به علاوه گفته شده است:

«این نوع خسارت هنگامی مورد حکم قرار می‌گیرد که رفتار زیانبار خواننده دعوی، عمدی، سهل‌انگارانه، ظالمانه متقلبانه، اهانت‌آمیز و یا مغرضانه بوده، به نحوی که احساسات خواننده را جریحه دار نموده و باعث

درد و رنج روحی و شرمساری و تحقیر وی شده باشد.» (بادینی، جزوه الزامات خارج قرارداد و مسؤولیت مدنی، ۱۹). در تعدادی از ایالات های آمریکا مانند می سی سی پی صرفاً اثبات بی اعتنایی و تقصیر فاحش خواننده را در صدور حکم ضروری می دانند و برای پی بردن به تقصیر فاحش، زیان دیده میبایست اثبات کند که خواننده به طور غیرعادی نسبت به تبعات زیانباری که از رفتارش تولید گشته، بی توجه یا بی اعتنا بوده است. در برخی دیگر از ایالات ها نیز برای صدور حکم به خسارات تنبیهی وجود رفتارهایی چون بی تفاوتی عمومی، رفتار توأم با سوءنیت یا رفتار همراه با بیاحتیاطی را لازم می دانند و تعداد دیگری از ایالتها نیز، فقط رفتاری را مشمول حکم خسارت تنبیهی می دانند که قوانین موضوعه آن را تشخیص داده باشد؛ چنانچه ماده ۳۲۹۴ قانون مدنی ایالت کالیفرنیا مقرر نموده که رفتار خواننده باید همراه با تقلب یا سوءنیت باشد (Blatt, Punitive Damages, 22).

چنانکه ملاحظه می گردد، اختلافات فاحشی بین اصطلاحات به کار رفته در خصوص رفتار موضوع خسارت-تنبیهی ملاحظه نمی گردد؛ اما همه این عناوین و اصطلاحات تحت عنوان «رفتاری که از نظر اجتماعی قابل سرزنش است» قابل جمع می باشند (Calnan, Alan, Anomalies in Intentional Tort Law, 1). بنابراین برای صدور حکم به پرداخت خسارت کیفری بیش از ارتکاب یک شبه جرم باید اوضاع و احوال راجع به شدت یا بی حرمتی نظیر کینه یا سوءنیت یا یک تقلب یا انگیزه پلید و شیطانی از طرف خواننده یا چنان بی توجهی هشیارانه و آگاهانه نسبت به منافع دیگران که عمل او را خودسرانه یا بی رویه نماید، وجود داشته باشد.

نتیجه

تقصیر به انواع مختلفی تقسیم می شود از جمله تقصیر عمدی و غیر عمدی، تقصیر غیر عمدی دارای مراتبی مانند تقصیر سبک و تقصیر سنگین می باشد؛ این تقسیم بندی ها در عمل واجد آثاری هستند؛ یکی از آثار تقصیر عمدی و تقصیر سنگین صدور حکم به خسارت تنبیهی است، هنگامیکه رفتار خطا کارانه خواننده، بطور ارادی و عمدی (عالما و عامدا) بوده و نیز به هنگامیکه این رفتار، دارای خصیصه بی حرمتی و هتک حرمت و غالباً ضمن ارتکاب جرم است، این حکم صادر می شود. در حقوق ایران تنها قانونی که در این زمینه موجود می باشد قانون اصلاح قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی است که مربوط به روابط بین المللی می باشد و در زمینه حقوق داخلی تا به حال مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. شایسته است قانونگذار درصدد تصویب مقرره ای در این زمینه برآید. نظریه خسارت تنبیهی می تواند پاسخی باشد به تفکیک اقسام مسؤولیت و اینکه لازم نیست مسؤولیت تنها ذیل عناوین مسؤولیت مدنی و کیفری بررسی شود و از شناسایی قسمتی از مسؤولیت که

فاقد تمامی معیارهای هریک از اقسام تفکیک باشد پرهیز گردد زیرا که این نهاد با عدالت و انصاف مطابق است و همین مسئله به تهایی کفایست که از آن چنان نفوذی برخوردار شود که در نظام های حقوقی که پایبند به اصول و تفکیک میان قواعد مسؤولیت است مقام در خور بیابد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. سید حسن، امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، نشریه اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. ایزانلو، محسن، شروط محدود کننده و ساقط کننده مسؤولیت در قراردادها، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.
۳. بادینی، حسن، فلسفه مسؤولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۴. _____، جزوه الزامات خارج قرارداد و مسؤولیت مدنی، دوره کارشناسی ارشد، دفتر تکثیر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۵. باریکلو، علیرضا، مسؤولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۶. باقری، احمد و همکاران، فرهنگ حقوقی مجد، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
۷. بوشهری، جعفر، حقوق جزا، (جبران خسارت)، جلد ۳، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
۸. جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
۹. داراب پور، مهرباب، مسؤولیت های خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی: مجد، ۱۳۸۷.
۱۰. ره پیک، حسن، حقوق مسؤولیت مدنی و جبران ها، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
۱۱. ژودرن، پاتریس، اصول مسؤولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۱۲. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، جلد ۳، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
۱۳. صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، (تعهدات و قراردادها)، جلد ۲، تهران، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰.
۱۴. _____، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، نشریه حقوق، شماره چهارم، ۱۳۶۴.
۱۵. _____، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسؤولیت، کتاب حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۶. _____، دوره مقدماتی حقوق مدنی (تعهدات و قراردادها)، جلد ۲، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۱۷. _____، رحیمی، حبیب الله، مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۹.

۱۸. عالی پناه، علیرضا، بررسی تطبیقی دیه و خسارت تنبیهی در فقه امامیه و نظام حقوقی کامن لا، مجله معارف اسلامی و حقوق، سال نهم، شماره اول، تهر و تابستان ۱۳۸۷.
۱۹. عبداللهی، محسن، خسارت تنبیهی در حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۰، ۱۳۸۳.
۲۰. فارسانی، علی خسروی، بیرانوند، شاهپور، مقایسه تطبیقی وجه التزام و خسارت تنبیهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹.
۲۱. قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسؤولیت مدنی، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، مسؤولیت ناشی از عیب تولید، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۳. _____ الزام های خارج از قرارداد، جلد ۱، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۲۴. مقصودی پاشاکی، رضا، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله ی دکتری حقوق خصوصی، غلامعلی سیفی زیناب، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۲۵. موسوی، سید احمد، مسؤولیت مدنی ناشی از مالکیت و نگهداری اشیاء، چاپ اول، نشر آیات، اهواز، ۱۳۸۴.
۲۶. نصیری، مصطفی، نقش تقصیر در مسؤولیت قراردادی، نشریه دادرسی، شماره ۷۱، آذر و دی ۱۳۸۷.
۲۷. یثربی، سید علی محمد، ضمان قهری با تحقیق در فقه و قوانین جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، صفی، ۱۳۸۸.
- منابع عربی**
۲۸. خمینی (الموسوی الخمینی)، تحریر الوسیله، جلد ۲، الطبعة الثانية، نجف الاشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ ه. ق.
۲۹. الطوسی، محمد بن الحسن ابی جعفر (شیخ طوسی)، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، انتشارات قدس محمدی، ۱۴۱۷.
۳۰. العاملی جبعی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ افسست، دوره دو جلدی، انتشارات تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۴ ه. ق.
۳۱. العاملی جبعی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد ۲ و ۳، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۳۲. المرأغی الحسینی، عبدالفتاح بن علی، عناوین، چاپ سنگی، عنوان شصتم، ۱۲۹۷ ه. ق.

۳۳. الموسوی خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، الطبعة الثانية، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۵.

۳۴. نجفی محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۱۵، چاپ سوم، تهران: چاپخانه خورشید، پاییز ۱۳۶۷.

منابع لاتین

Black, H.Campbell, **blacks law dictionary**, fourth edition, London, west publication, ۳۵ 1968.

Blatt, Richard. L . Hammesfah, Robert W. Nugent, Lori s, **Punitive Damages**, A state ۳۶ by state, Guide to Law and Practice, Stpaul, Minnesota West Publishing co, First ed, 1991.

Calnan, Alan, **Anomalies in Intentional Tort Law**, Ten. J. land Poly 187, Winter 2005. ۳۷

Cane, Peter, **The Anatomy of Tort Law**, Hart Publishing Oxford, First ed, 1997. ۳۸

Cody, Troy l, **The discriminatory effects of punitive damages**, 1997. ۳۹

Emanel ,**Torts**, 5th Edition, C.L.S, 1994. ۴۰

Gray,Christopher Berry, **The philosophy of Law**, An Encyclopedia”, 2 ۴۱ Volumes,Garland Publishing, INC. 1999.

Lunney, Mark & Oliphant, Ken, **Tort law**, London, waterloo publication, 2002. ۴۲

.Nelson, Paul C, **Punishment for profit**, 1982, www. Heinonline. Org ۴۳

Owen, David G, **philosophical foundations of tort law**, first edition, New York, ۴۴ clarendon press, 1995.

.**Oxford dictionary of law**, first edition, Tehran, Agah publication, 1377 ۴۵

Prosser, **The Low of Torts**, 4th Edition, W.P.C.O., 1971_ 1994. ۴۶

Royers W. V. H. **the law of tort fundamental principles of law**, London, sweet and ۴۷ .maxwell publication,1989

Stanton , **The Modern Law of Tort**, Sweet &Maxwell, London, 1994Wild, susan Ellis: ۴۸ 2006, Webster’s new world Law Dictionary, us, Wiley

Williams, Glanville, **The Aims of the Law of Tohrt**, Current Legal Problems, Edited ۴۹ by George W. Keeton and Georg Schwarzenber, Volume 4, 1951.